

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۹ - ۱۲۰

سنجه داوری تجاری بین‌المللی و داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری: تلاقی اصول حقوقی و الزامات اخلاقی در راستای عدالت رویه‌ای

ندا حیدری مقدم^۱احمد فاطمی^۲محمدعلی کفایی‌فر^۳

چکیده

در نظام حقوقی بین‌المللی، داوری یکی از مهم‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. داوری تجاری و داوری سرمایه‌گذاری هرچند اصولی مشترک مانند بی‌طرفی، دادرسی منصفانه و الزام آور بودن آراء دارند، اما از نظر قلمرو دعاوی، ترکیب طرفین و قواعد حاکم تفاوت‌های اساسی دارند. داوری تجاری میان اشخاص خصوصی و شرکت‌ها شکل می‌گیرد و انعطاف‌پذیری بیشتری دارد، درحالی‌که داوری سرمایه‌گذاری، به دلیل حضور دولت‌ها، تحت تأثیر معاهدات بین‌المللی و ملاحظات حاکمیتی است. عدالت رویه‌ای یکی از چالش‌های مهم در هر دو نوع داوری است. انتخاب داوران، شفافیت فرآیند داوری، تعارض میان اصل محرمانگی و حق دسترسی عمومی و سوءاستفاده از فرآیند داوری، از جمله موانعی است که بر مشروعیت این نظام تأثیر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های نهادی و ساختاری در هر دو نوع داوری، بر نحوه اجرای عدالت رویه‌ای اثرگذار است و ایجاد توازن میان حمایت از سرمایه‌گذاران و حفظ حاکمیت دولت‌ها، همچنان یک چالش اساسی باقی مانده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی مقایسه‌ای این دو نظام داوری و تأثیر آن‌ها بر عدالت رویه‌ای و ملاحظات اخلاقی پرداخته است.

واژگان کلیدی

داوری بین‌المللی، داوری تجاری، داوری سرمایه‌گذاری، عدالت رویه‌ای، ملاحظات اخلاقی.

۱. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: nedahm58@gmail.com

۲. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fatemi.ahmad51@gmail.com

۳. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: ma.kafaeifar@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

طرح مسأله

داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای جایگزین برای حل و فصل اختلافات در عرصه تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. در دنیای معاصر، که تعاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی به میزان قابل توجهی افزایش یافته‌اند، اختلافات اجتناب‌ناپذیر بوده و نیاز به سازوکارهایی که بتوانند این اختلافات را به‌طور مؤثر، سریع و بی‌طرفانه حل کنند، بیش از پیش احساس می‌شود (درویشی‌هویدا، ۱۳۸۸). در این میان، دو نوع داوری بین‌المللی، یعنی *داوری تجاری* و *داوری سرمایه‌گذاری*، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هرچند هر دو نوع داوری در ظاهر مشابه به نظر می‌رسند و اصولی مشترک بر آن‌ها حاکم است، اما تفاوت‌های بنیادینی نیز میان آن‌ها وجود دارد که هم از حیث ماهیت و ترکیب طرفین و هم از منظر ساختار حقوقی و نهادی، آن‌ها را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد. داوری تجاری، که عمدتاً در حوزه اختلافات قراردادی میان اشخاص خصوصی و شرکت‌های تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیش‌تر بر اساس اصل *خودمختاری اراده طرفین* عمل می‌کند و ساختاری انعطاف‌پذیر دارد (شیریوی، ۱۳۹۴). در مقابل، داوری سرمایه‌گذاری، که میان سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های میزبان به وقوع می‌پیوندد، تحت تأثیر ملاحظات حقوق بین‌الملل عمومی قرار داشته و علاوه بر اصول حقوق خصوصی، با الزامات حاکمیتی و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نیز در ارتباط است (Kriebaum et al, 2022). با وجود شباهت‌های اساسی در فرآیندهای هر دو نوع داوری، تفاوت‌های کلیدی میان آن‌ها بر عدالت رویه‌ای و ملاحظات اخلاقی تأثیر مستقیمی دارد. یکی از مسائل اساسی در داوری سرمایه‌گذاری، چالش‌هایی است که از تعارض میان حقوق سرمایه‌گذار خارجی و حق حاکمیت دولت‌ها بر سیاست‌های عمومی خود ناشی می‌شود. بسیاری از دعاوی سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به این مسأله پرداخته‌اند که آیا دولت‌ها می‌توانند با استناد به منافع عمومی، تعهدات خود در قبال سرمایه‌گذاران را نقض کنند یا این که سرمایه‌گذاران از حقوق مطلق در برابر تغییرات قانونی و حاکمیتی دولت برخوردارند. این تعارض، بحث‌های گسترده‌ای درباره لزوم رعایت ملاحظات اخلاقی و عدالت رویه‌ای در داوری‌های سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است (Newcombe & Paradell, 2009). در مقابل، داوری تجاری، به‌دلیل این که طرفین آن عمدتاً اشخاص خصوصی هستند، کم‌تر با چنین تعارضاتی مواجه است، هرچند در آن نیز مسائلی هم‌چون عدم شفافیت، انتخاب داوران، و امکان سوءاستفاده از حق توسط یکی از طرفین، می‌تواند چالش‌های اخلاقی خاص خود را ایجاد کند (لیو و همکاران، ۱۳۹۱). با این توصیف، پرسش اصلی که این پژوهش آن است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان *داوری تجاری* و *داوری سرمایه‌گذاری* وجود دارد و این

تفاوت‌ها چگونه بر عدالت رویه‌ای و ملاحظات اخلاقی در فرآیند داوری تأثیر می‌گذارند؟ هم‌چنین، این پژوهش در پی آن است که بررسی کند تا چه میزان اصول حاکم بر هر دو نوع داوری توانسته‌اند عدالت رویه‌ای را تأمین کنند و آیا قواعد موجود پاسخگوی چالش‌های اخلاقی در این حوزه هستند یا خیر؟ از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش، ارائه یک تحلیل تطبیقی میان داوری تجاری و سرمایه‌گذاری است تا مشخص شود که چگونه اصول حاکم بر این دو نظام داوری بر فرآیندهای رسیدگی، انتخاب داوران، اجرای عدالت رویه‌ای و رعایت ملاحظات اخلاقی تأثیر می‌گذارند. برای نیل به این هدف، مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش نخست، مبانی نظری و حقوقی داوری بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد و اصول بنیادین آن تبیین می‌شود. در بخش دوم، شباهت‌های موجود میان داوری تجاری و سرمایه‌گذاری از حیث مراحل داوری، قواعد حاکم و اصول حقوقی مشترک تحلیل می‌شود. هم‌چنین در این بخش، تفاوت‌های عمده این دو نوع داوری، از جمله در قلمرو دعاوی، مقررات حاکم، نهادهای داوری، ترکیب طرفین و فرآیند انتخاب داوران بررسی خواهد شد. در نهایت، در بخش سوم، مفهوم عدالت رویه‌ای در داوری بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و تلاش خواهد شد تا چالش‌های اخلاقی مرتبط با فرآیندهای داوری، از جمله مسائلی مانند شفافیت، محرمانگی، سوءاستفاده از حق و تأثیر تصمیمات داوری بر حقوق عمومی و منافع اجتماعی، تحلیل شود.

باری، اهمیت نوشتار پیش‌رو از آن جهت است که داوری بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری، با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده و برخی محافل حقوقی آن را متهم به حمایت بیش از حد از سرمایه‌گذاران خارجی در برابر سیاست‌های عمومی دولت‌ها کرده‌اند. در همین راستا، برخی کشورها اقدام به اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری خود کرده یا حتی از برخی معاهدات سرمایه‌گذاری خارج شده‌اند. از سوی دیگر، در داوری تجاری نیز انتقادات متعددی نسبت به مسائلی هم‌چون عدم شفافیت، رویه‌های غیرمنصفانه در انتخاب داوران، و تأثیر نابرابر شرکت‌های بزرگ بر فرآیند داوری مطرح شده است. این مسائل نشان می‌دهد که بررسی تطبیقی این دو نظام داوری نه تنها یک بحث نظری، بلکه دارای ابعاد عملی و کاربردی مهمی است که می‌تواند در جهت اصلاح و بهبود فرآیندهای داوری بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مبانی نظری و حقوقی داوری‌های بین‌المللی

داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات در تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی، طی دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و در نظام حقوق بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این شیوه از حل اختلافات، به‌واسطه ویژگی‌هایی نظیر بی‌طرفی، کارآمدی، سرعت و امکان اجرای فراملی آراء، نسبت به روش‌های قضایی ملی، ترجیح داده

می‌شود (شیروی، ۱۳۹۴). با این حال، داوری بین‌المللی دارای اشکال مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها داوری تجاری بین‌المللی و داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری است. تفاوت در طرفین دعوی، منابع حقوقی و اهداف هر یک، موجب تمایز در قواعد حاکم و فرآیندهای داوری در این دو حوزه شده است.

۱-۱. مفهوم و مبانی داوری بین‌المللی

داوری بین‌المللی یک سازوکار حل اختلاف است که از طریق آن طرفین منازعات فرامرزی، به جای رویارویی با سیستم‌های قضایی ملی که ممکن است به دلیل تفاوت‌های حقوقی، فرهنگی و زبانی، برای هر دو طرف چالش‌برانگیز باشد، به توافق می‌رسند که اختلاف خود را در یک چهارچوب مستقل و بی‌طرف حل و فصل کنند (بطحائی و شمس، ۱۳۹۶).^۱ این سازوکار از دو منظر مهم بررسی می‌شود: منظر حقوقی و منظر اخلاقی، که هر دو در تقویت اعتبار و کارایی داوری بین‌المللی نقش اساسی دارند. از منظر حقوقی، اصول اساسی داوری بین‌المللی بر مبنای خودمختاری طرفین بنا شده است؛ یعنی طرفین می‌توانند بر اساس توافق اولیه، رویه، قوانین و حتی داوران مورد نظر خود را انتخاب کنند (رضایی‌شورکی، ۱۳۹۹). این خودمختاری نه تنها امکان انعطاف‌پذیری در تنظیم روند حل اختلاف را فراهم می‌آورد، بلکه باعث می‌شود که طرفین با شرایطی مواجه شوند که بیش‌ترین تطابق را با نیازها و انتظارات آن‌ها دارد. در همین راستا، اصل بی‌طرفی و استقلال داوران از دیگر ارکان بنیادین این سیستم به‌شمار می‌آید؛ چرا که داوران باید از هرگونه تعارض منافع و تبعیض مبرا باشند تا بتوانند نظرات و تصمیمات خود را به صورت عادلانه و بدون پیش‌داوری ارائه دهند.

تاریخچه داوری به دوره‌های باستان برمی‌گردد، جایی که جوامع تجاری برای جلوگیری از بروز منازعات و کاهش هزینه‌های قضایی به روش‌های غیررسمی و مبتنی بر عرف متوسل می‌شدند (صفوی‌همامی و همکاران، ۱۴۰۰). با توسعه تجارت‌های بین‌المللی در قرن‌های اخیر، نیاز به یک سازوکار حل اختلاف منسجم و قابل اعتماد افزایش یافت. تصویب کنوانسیون نیویورک در سال ۱۹۵۸^۲ به عنوان یکی از نقطه‌های عطف، موجبات اجرای حکم‌های داوری در سطح جهانی را فراهم کرد و به نوعی استاندارد بین‌المللی برای حل و فصل منازعات فراهم نمود (مجتهدی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، داوری بین‌المللی همواره در تقابل با تنوع حقوقی و فرهنگی کشورهای مختلف قرار داشته است. چالش اصلی در این میان، تفسیر و اجرای قواعد و رویه‌های داوری در فضایی است که در آن قوانین ملی و بین‌المللی ممکن است با یکدیگر تضاد

1. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration 1985, With amendments as adopted in 2006., Art. 7(1).

2. New York Convention, 1958

داشته باشند. در اين شرايط، داوران بايد با درک عميق از هر دو نظام حقوقى، به تبیین و تفسير منصفانه مسائل بپردازند. به همين دليل، استانداردهايى که توسط موسسات داورى مانند ICC^۱، LCIA^۲، SIAC^۳ و حتى ايکسید^۴ تدوين شده‌اند، نقش مهمى در ايجاد انسجام و يکنواختى در روند داورى دارند (علومى يزدى و آزادى، ۱۳۹۴).

از منظر اخلاقى نيز، داورى بين المللى به مثابه فرآيندى است که اعتماد و حسن نيت طرفين را به چالش مى کشد. حفظ شفافيت در روند داورى، توضيح مستدل دلایل اتخاذ تصميمات و رعايت اصول داورى عادلانه از جمله مواردى است که اعتبار داورى را افزايش مى دهد. هم چنين، در شرايطى که منافع اقتصادى و حقوق بشر ممکن است در تضاد با يک ديگر قرار گيرند، تعادل ميان اين منافع و حفظ عدالت، نیازمند حساسيت اخلاقى ويژه‌اى است. اين نکته به ويژه در داورى‌هاى سرمايه گذارى بين المللى مشهود است؛ جايى که تصميمات داورى مى تواند تاثيرات اقتصادى و اجتماعى عميقى در کشورهاى ميزبان داشته باشد (Rogers, 2013). در عين حال، توسعه فناورى‌هاى نوين و جهانى شدن ارتباطات نيز زمينه‌هاى جديدى را براى داورى ايجاد کرده است. استفاده از ابزارهاى ديجيتال در برگزاري جلسات داورى، ارائه اسناد و تبادل اطلاعات به صورت الکترونيکى، مى تواند فرآيند داورى را تسريع و کارآمدتر کند؛ اما اين امر هم چنين چالش‌هاى از نظر حفظ امنيت اطلاعات و تضمين شفافيت ايجاد مى کند. در چنين شرايطى، تبیین دقيق چهارچوب‌هاى حقوقى و اخلاقى براى استفاده از فناورى در داورى، از اهميت ويژه‌اى برخوردار است (Kaufmann-Kohler & Schultz, 2004).

در نهايت، مى توان گفت داورى بين المللى نه تنها يک روش حل اختلاف است، بلکه بازتاب دهنده رويکردى است که در آن احترام به خودمختارى طرفين، توازن منافع و حفظ عدالت بين المللى در کنار هم قرار مى گيرند. اين رويکرد مستلزم داشتن درکى عميق از اصول حقوقى، فرهنگى و اخلاقى است تا بتوان از طريق يک سيستم منسجم و قابل اعتماد، منازعات فرامرزى را به شيوه‌اى کارآمد و منصفانه حل نمود. به اين ترتيب، داورى بين المللى همچنان به عنوان يک سازوکار پيشرفته و تطبيق پذير در مواجهه با پيچيدگى‌هاى روابط بين المللى باقى مى ماند.

۱-۲. داورى تجارى بين المللى و اصول حاکم بر آن

داورى تجارى بين المللى به عنوان يکى از موثرترين روش‌هاى حل اختلافات تجارى فرامرزى، به ويژه در دنياى تجارت جهانى امروز، اهميت زيادى يافته است. اين روش، برخلاف

1. The International Chamber of Commerce (ICC)
 2. London Court of International Arbitration (LCIA)
 3. Singapore International Arbitration Centre (SIAC)
 4. The International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

فرآیندهای قضایی ملی که ممکن است با پیچیدگی‌ها و موانع حقوقی متعددی روبه‌رو باشد، برای طرفین این امکان را فراهم می‌آورد که اختلافات خود را در یک فضای بی‌طرف و بر اساس اصول منصفانه و متفق‌علیه حل و فصل کنند (امیری، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، داوری تجاری بین‌المللی، نه تنها به دلیل سادگی و سرعت در حل و فصل اختلافات، بلکه به دلیل سازگاری آن با منافع اقتصادی طرفین و توانایی آن در تنظیم فرآیند بر اساس توافق‌های بین‌المللی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این سیستم به نحوی طراحی شده است که امکان تطبیق با رویه‌ها، قوانین و حتی شرایط فرهنگی مختلف کشورهای طرف منازعه را فراهم کند و از این طریق، به طرفین اطمینان می‌دهد که اختلافاتشان در چهارچوبی عادلانه و با در نظر گرفتن حقوق و منافع همه طرفین، حل و فصل خواهد شد. اصول حاکم بر داوری تجاری بین‌المللی، به عنوان مبنای این سازوکار، اساساً از چهار رکن کلیدی برخوردار است که به طور مشترک توسط جوامع حقوقی بین‌المللی پذیرفته شده است: بی‌طرفی، استقلال داوران، احترام به اراده طرفین و رعایت عدالت در فرآیند داوری (Born, 2014). بی‌طرفی،^۱ یکی از مهم‌ترین اصول در داوری تجاری است، چرا که هرگونه تداخل در منافع داور یا ترجیح دادن یکی از طرفین نسبت به طرف دیگر، می‌تواند موجب بی‌اعتباری تصمیمات داوری و از بین رفتن اعتماد طرفین به این فرآیند گردد. داوران باید فارغ از هرگونه تعصب یا وابستگی به طرفین، با نگرش منصفانه و مطابق با اصول حقوقی تصمیم‌گیری کنند. این اصل نه تنها در فرآیند داوری بلکه در تمامی مراحل آن، از جمله انتخاب داوران و تنظیم قوانین حاکم بر داوری، نقش حیاتی دارد (Redfern & Hunter, 2004).

استقلال داوران،^۲ دومین اصل مهم در داوری تجاری است. استقلال به این معناست که داوران باید بتوانند بدون هیچ‌گونه فشار یا دخالت خارجی، تصمیمات خود را اتخاذ کنند. در این راستا، هرگونه ارتباط یا وابستگی بین داور و طرفین می‌تواند موجب تخریب این استقلال و به تبع آن اعتبار داوری گردد. داوران باید قادر باشند که بدون دغدغه از تحمیل هرگونه تأثیر نادرست از سوی هیچ‌یک از طرفین، حکم خود را صادر کنند. این اصل از آن جهت مهم است که داوران نه تنها به عنوان ناظران بی‌طرف، بلکه به عنوان مسئولان اجرایی تصمیمات، باید بتوانند در فرآیند داوری از تمامی ابزارها و اطلاعات در اختیار به بهترین نحو استفاده کنند (لیو و همکاران، ۱۳۹۱).

اصول احترام به اراده طرفین و خودمختاری در انتخاب داوران و رویه‌ها نیز از مبانی اساسی داوری تجاری بین‌المللی است. خودمختاری طرفین به این معناست که هر طرف می‌تواند از بین داوران مختلف و با در نظر گرفتن قوانین مورد نظر خود، داوری را پیش برد. در داوری تجاری،

1. Impartiality
2. Independence

طرفین این اختیار را دارند که انتخاب کنند کدام قوانین حاکم بر پرونده آن‌ها باشد، چه روشی برای حل اختلافات به کار گرفته شود و محل برگزاری جلسات داوری کجا باشد. این انعطاف‌پذیری به طرفین این امکان را می‌دهد که با توجه به شرایط خاص خود، یک فرآیند حل اختلاف بهینه انتخاب کنند. در این راستا، یکی از ویژگی‌های برجسته داوری تجاری بین‌المللی این است که برخلاف روبه‌های قضایی ملی، به طرفین امکان می‌دهد تا برای حل اختلافات خود در سطح جهانی، با توافق دوجانبه یا چندجانبه، روندی بهینه و قابل قبول طراحی کنند (Gaillard & Savage, 1999).

رعایت عدالت در فرآیند داوری، چهارمین اصل بنیادین است که در تمامی داوری‌های تجاری بین‌المللی باید مورد توجه قرار گیرد. این اصل به معنای فراهم آوردن شرایطی است که در آن طرفین فرصت کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند و فرآیند داوری به‌طور کامل و منصفانه در نظر گرفته شود (خدری، ۱۳۹۴). در راستای رعایت عدالت، باید از هرگونه تبعیض یا رفتار ناعادلانه خودداری شود و تصمیمات داوران باید مبتنی بر دلایل حقوقی و مستند باشند تا اطمینان حاصل شود که فرآیند داوری منصفانه و مطابق با استانداردهای حقوقی بین‌المللی است. از این رو، ارائه شفاف دلایل حکم داوری و فراهم آوردن فرصت‌های کافی برای ارائه استدلال‌ها و مدارک طرفین از جمله الزامات اخلاقی و قانونی این اصل است (Born, 2014).

این اصول به‌طور کلی از طریق توافقات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک، که اساس‌گذار اعتبار و اجرای احکام داوری در سطح جهانی است، حمایت می‌شوند. از آن‌جا که داوری تجاری بین‌المللی به‌طور معمول به حل اختلافات در زمینه‌های اقتصادی و تجاری پرداخته و در پی حفظ منافع طرفین است، اصول ذکرشده به‌طور ویژه از دو جهت مهم مورد توجه قرار دارند: نخست، تأمین منافع اقتصادی و تجاری طرفین در حالی که از عدم تداخل در فرآیند داوری اطمینان حاصل می‌شود و دوم، جلوگیری از پیچیدگی‌های حقوقی و فرآیندهای طولانی‌مدت که در سیستم‌های قضایی ملی ممکن است به وجود آید.

۳-۱. داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری و ویژگی‌های آن

داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری، به عنوان یک ابزار مهم در حل و فصل منازعات ناشی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، در سال‌های اخیر به دلیل گسترش مبادلات جهانی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به‌طور چشمگیری توسعه یافته است. این نوع داوری به‌طور خاص برای حل اختلافات میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی طراحی شده است و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از داوری تجاری بین‌المللی متمایز می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری این است که این نوع داوری معمولاً بر اساس

توافقات دولتی با سرمایه‌گذاران یا قراردادهای دوجانبه و چندجانبه انجام می‌شود. به عبارت دیگر، این نوع داوری، بیش‌تر به نفع سرمایه‌گذاران طراحی شده است، چرا که اغلب این سرمایه‌گذاران هستند که با دولت‌ها وارد توافقات سرمایه‌گذاری می‌شوند و در صورت بروز اختلاف، حق دارند از این سازوکار برای دفاع از منافع خود استفاده کنند. این داوری‌ها غالباً تحت نظارت نهادهای بین‌المللی مانند مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) قرار دارند که خود نشان‌دهنده تخصص و تمرکز ویژه این نهادها بر حل و فصل منازعات ناشی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. ویژگی‌های خاص داوری سرمایه‌گذاری شامل امکان طرح دعوی توسط سرمایه‌گذاران علیه دولت‌ها به دلیل نقض تعهدات آن‌ها، استقلال از سیستم‌های قضائی ملی و برخورداری از یک چهارچوب حقوقی بین‌المللی شناخته شده است که همه این موارد باعث می‌شود این نوع داوری به یکی از مکانیزم‌های محبوب برای حل منازعات در سطح بین‌المللی تبدیل شود. در داوری‌های سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در مواردی که سرمایه‌گذار خارجی بر اساس قراردادی با دولت میزبان سرمایه‌گذاری کرده است، احتمال بروز اختلافات به دلیل تغییرات قوانین ملی، عدم رعایت تعهدات قرارداد یا رفتار تبعیض‌آمیز دولت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران وجود دارد (ابراهیمی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۳).

یکی از ویژگی‌های قابل توجه داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری، وجود ابعاد حقوقی پیچیده‌ای است که می‌تواند شامل تفسیر معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری، قوانین داخلی دولت‌ها و همچنین اصول عمومی حقوق بین‌الملل باشد. در این نوع داوری‌ها، نه تنها قواعد و مفاد قراردادهای خاص میان سرمایه‌گذار و دولت مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه توجه به اصول اساسی حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر، حاکمیت ملی و احترام به قوانین داخلی نیز اهمیت دارد. این ترکیب از حقوق داخلی و بین‌المللی به داوران این امکان را می‌دهد که با دقت و جامعیت بیش‌تری به پرونده‌ها رسیدگی کنند. همچنین، این نوع داوری‌ها به دلیل لزوم تفسیر و تطبیق قواعد بین‌المللی و داخلی، نیازمند داورانی با تخصص‌های خاص در حوزه حقوق بین‌الملل، حقوق اقتصادی و حقوق بشری هستند که توانایی رسیدگی به این پرونده‌های پیچیده را داشته باشند (McLachlan et al, 2017). ویژگی دیگری که داوری سرمایه‌گذاری را از دیگر انواع داوری متمایز می‌کند، این است که در این داوری‌ها، معمولاً دولت‌ها به عنوان طرف اصلی دعوی قرار دارند و باید از منافع ملی خود دفاع کنند. این مسأله به ویژه زمانی که مباحثی مانند تغییرات سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات قانونی و یا مسائل مربوط به زمین و منابع طبیعی مطرح باشد، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی نیز به دنبال حمایت از حقوق خود و حفاظت از سرمایه‌هایشان هستند، بنابراین در این نوع داوری‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی از طرف دولت‌ها و سایر نهادهای بین‌المللی می‌تواند به طور قابل توجهی بر روند

رسیدگی تأثیر بگذارد. این چالش‌ها نیازمند یک سازوکار داوری است که هم بتواند به حقوق سرمایه‌گذار خارجی احترام بگذارد و هم در عین حال از استقلال و حاکمیت دولت‌ها حمایت کند (Lim et al, 2021).

یکی دیگر از ویژگی‌های این نوع داوری‌ها، توانایی آن‌ها در اعمال اصول اخلاقی است که معمولاً در پرونده‌های تجاری کمتر به آن توجه می‌شود. در داوری‌های سرمایه‌گذاری، علاوه بر رعایت اصول حقوقی، لازم است تا داوران با توجه به ملاحظات اجتماعی و اقتصادی که ممکن است تحت تأثیر تصمیمات داوری قرار گیرند، فرآیند تصمیم‌گیری خود را پیش ببرند. به عبارت دیگر، این نوع داوری‌ها نه تنها به دنبال حل و فصل منازعات در چهارچوب حقوقی هستند، بلکه باید از نظر اخلاقی نیز برای طرفین قابل قبول باشد. در اینجا، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی احکام داوری می‌تواند بسیار چشمگیر باشد، به ویژه در جوامعی که هنوز در حال توسعه هستند و تصمیمات داوری ممکن است بر شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها تأثیرات طولانی‌مدت داشته باشد (Somarajah, 2021). در نهایت، یکی از ویژگی‌های مهم داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری این است که می‌تواند ابزاری مؤثر برای حفظ ثبات در روابط اقتصادی بین‌المللی باشد. این داوری‌ها با ارائه یک چهارچوب حقوقی بی‌طرف و مستقل، از امنیت سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی حمایت می‌کنند و به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهند که در صورت بروز اختلافات، یک سازوکار منصفانه و غیرسیاسی برای حل و فصل آن‌ها وجود خواهد داشت. از این رو، داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری نه تنها به نفع طرفین دخیل در منازعه است، بلکه به‌طور کلی موجب ارتقاء روابط اقتصادی بین کشورها و افزایش اعتماد در سیستم اقتصادی جهانی می‌شود (Subedi, 2020).

باری، داوری بین‌المللی سرمایه‌گذاری با توجه به ویژگی‌های خاص خود، از جمله نقش دولت‌ها به عنوان طرف دعوی، ترکیب قوانین ملی و بین‌المللی، و لزوم رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی، به یکی از ابزارهای کلیدی در حل و فصل منازعات سرمایه‌گذاری تبدیل شده است که در جهان امروز، به عنوان راه حلی مؤثر و مناسب برای کاهش تنش‌ها و مشکلات حقوقی در روابط بین‌المللی به شمار می‌آید.

۴-۱. پیوند مبانی حقوقی با ملاحظات اخلاقی

پیوند مبانی حقوقی با ملاحظات اخلاقی در داوری بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، یک مقوله پیچیده و چند بعدی است که شامل تعاملات میان اصول قانونی و الزامات اخلاقی است. این موضوع به‌ویژه در زمینه داوری‌های بین‌المللی که شامل طرفین با فرهنگ‌ها و سیستم‌های حقوقی متفاوت است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در این‌جا، مبانی

حقوقی به‌طور سنتی به قوانین و مقرراتی اشاره دارند که داوران بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، در حالی که ملاحظات اخلاقی بیش‌تر به اصول و استانداردهایی مربوط می‌شود که عدالت، انصاف و حقوق بشر را در فرآیند داوری تضمین می‌کند (Van Harten, 2009). هرچند که این دو بُعد، یعنی حقوق و اخلاق، در نگاه اول به‌نظر مستقل و مجزا می‌آیند، اما در عمل، این دو در هم تنیده و مکمل یک‌دیگرند، و پیوند میان آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری فرآیندهای داوری منصفانه و شفاف ایفا کند. یکی از جنبه‌های اساسی این پیوند، تأثیر حقوق بشر و استانداردهای اخلاقی بر روی داوری‌های بین‌المللی است. وقتی صحبت از داوری‌های سرمایه‌گذاری به میان می‌آید، این تأثیر به‌ویژه در مواردی که تصمیمات داوری ممکن است بر حقوق انسان‌ها و جوامع محلی اثرگذار باشد، اهمیت پیدا می‌کند (Stoll, 2018). برای مثال، برخی از تصمیمات داوری ممکن است بر پروژه‌های توسعه‌ای که به تأثیرات محیطی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازند، تأثیر بگذارد. در چنین شرایطی، هرچند که اصول حقوقی و قراردادی ممکن است منافع سرمایه‌گذاران را تأمین کنند، اما ممکن است این منافع با حقوق و آزادی‌های اساسی افراد درگیر تضاد پیدا کند. در این موارد، ضرورت دارد که داوران تصمیمات خود را بر اساس اصول اخلاقی و انسانی نیز ارزیابی کنند، چراکه عدالت در داوری فقط از منظر حقوقی قابل ارزیابی نیست، بلکه باید ابعاد اجتماعی و انسانی آن نیز لحاظ شود (Guzman, 2008).

این پیوند میان حقوق و اخلاق در داوری‌های بین‌المللی به‌ویژه در حوزه‌های حساس‌تر هم‌چون داوری سرمایه‌گذاری با چالش‌هایی مواجه است که باید مورد توجه قرار گیرد. در داوری‌های تجاری بین‌المللی، زمانی که یک طرف، مثلاً یک دولت، در مواجهه با یک سرمایه‌گذار خارجی قرار می‌گیرد، ممکن است از یک سو به حفظ منافع ملی خود توجه داشته باشد، اما از سوی دیگر باید از نقض حقوق بشر یا تخریب محیط‌زیست جلوگیری کند. برای نمونه، در پرونده‌های مربوط به معادن، ممکن است یک دولت برای ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به پروژه‌های بزرگ مقیاس اقتصادی، به‌طور غیرمستقیم به حقوق اقلیمی و اجتماعی مردم محلی آسیب بزند. در این‌گونه موارد، تنها توجه به الزامات حقوقی و تجاری ممکن است منجر به تصمیماتی شود که نه‌تنها از نظر اخلاقی سوال‌برانگیز باشند، بلکه در بلندمدت نیز به‌ضرر تمامی طرفین تمام شوند. بنابراین، پیوند میان مبانی حقوقی و ملاحظات اخلاقی در این زمینه به‌ویژه ضروری است (Stoll, 2018). در این چهارچوب، داوری‌های بین‌المللی باید به‌شکل بهتری به رعایت اصول شفافیت و مسئولیت‌پذیری توجه کنند. به‌ویژه در مواردی که تأثیرات این داوری‌ها ممکن است فراتر از منافع اقتصادی محدود به طرفین دعوی باشد و به ابعاد اجتماعی و محیطی یک کشور یا منطقه‌ای که پروژه‌ها در آن اجرا می‌شوند، مربوط باشد، ضروری است که داوران فراتر از دیدگاه‌های صرفاً تجاری و اقتصادی به پیامدهای اجتماعی و انسانی تصمیمات

خود نیز توجه کنند. در بسیاری از مواقع، داوری‌ها به تصمیماتی منتهی می‌شوند که مستقیماً بر ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع تأثیر می‌گذارند، به‌ویژه در کشورهایی که ممکن است از نظر اقتصادی و سیاسی در شرایط آسیب‌پذیری باشند. لذا این واقعیت ایجاب می‌کند که داوران نه تنها به قوانین و توافقات تجاری توجه کنند، بلکه استانداردهای اخلاقی بین‌المللی، نظیر حقوق بشر، حفاظت از محیط‌زیست و رفاه اجتماعی را نیز در تصمیمات خود بگنجانند (Sornarajah, 2021). به علاوه، یکی از نکات دیگری که باید در این زمینه به آن اشاره کرد، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی در داوری‌های بین‌المللی است. در واقع، حقوقی که در یک کشور خاص تعریف می‌شود، ممکن است با ملاحظات اخلاقی و اجتماعی در کشورهای دیگر تفاوت‌های عمده‌ای داشته باشد. برای مثال، مفاهیم عدالت اجتماعی و حقوق بشر در کشورهای مختلف ممکن است معانی مختلفی داشته باشد. در چنین شرایطی، داوران باید با دقت و حساسیت به این تفاوت‌ها توجه کنند و بر اساس اصول جهانی اخلاقی، تصمیمات خود را به گونه‌ای اتخاذ کنند که نه تنها به نفع طرفین دعوی، بلکه به نفع جامعه بین‌المللی و حقوق انسان‌ها باشد. این رویکرد می‌تواند موجب ارتقاء شفافیت و اعتماد به داوری‌های بین‌المللی شود و اطمینان حاصل کند که حتی در مواردی که تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی وجود دارد، داوری همچنان منصفانه و اخلاقی خواهد بود (Van Harten, 2009).

به هر جهت، پیوند میان مبانی حقوقی و ملاحظات اخلاقی در داوری بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه‌های حساس هم‌چون داوری تجاری و سرمایه‌گذاری، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به فرآیندهای داوری ایفا می‌کند. این پیوند می‌تواند تضمینی برای اتخاذ تصمیماتی باشد که نه تنها بر اساس اصول حقوقی، بلکه مطابق با اصول اخلاقی جهانی و حقوق بشر نیز باشند. توجه به این پیوند به‌ویژه در دنیای پیچیده امروز که منافع اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی به هم پیوسته است، بسیار حیاتی است. با این وجود، برای رسیدن به یک نظام داوری بین‌المللی که هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ اخلاقی عدالت را تحقق بخشد، لازم است که داوران و دیگر نهادهای بین‌المللی همواره به‌طور مستمر استانداردهای اخلاقی و حقوقی را در فرآیندهای داوری در نظر گیرند و تصمیماتی اتخاذ کنند که منافع همه طرف‌ها را در نظر گرفته و از تضییع حقوق انسان‌ها و آسیب به جوامع جلوگیری کنند.

۲. مقایسه تطبیقی داوری تجاری بین‌المللی و داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی

۲-۱. بیان شباهت‌ها

در مقایسه تطبیقی داوری تجاری و داوری سرمایه‌گذاری، شباهت‌های زیادی در فرآیندهای هر دو نظام وجود دارد. این شباهت‌ها نه تنها در مراحل مختلف داوری، بلکه در اصول حاکم بر

آن‌ها و قواعد مشترک نیز قابل مشاهده است. در این گفتار، ابتدا به بررسی شباهت‌های فرآیند داوری در هر دو سیستم پرداخته می‌شود و سپس شباهت‌های مربوط به قواعد حاکم و اصول حقوقی مشترک تحلیل می‌گردد.

در ابتدا، در هر دو نظام داوری تجاری و سرمایه‌گذاری، مراحل آغازین مشابهی وجود دارد که معمولاً از توافق طرفین شروع می‌شود. در داوری تجاری، طرفین باید به توافق برسند که اختلافات خود را از طریق داوری حل و فصل کنند. این توافق می‌تواند به صورت شرط داوری^۱ در قرارداد یا توافق مجزا^۲ صورت گیرد. به طور مشابه، در داوری سرمایه‌گذاری، طرفین قرارداد (معمولاً یک دولت و یک سرمایه‌گذار خارجی) باید با پذیرش شرایط داوری تحت یک توافقنامه رسمی، مانند توافقنامه دو جانبه حمایت از سرمایه‌گذاری (BIT) یا معاهدات چندجانبه، به داوری متعهد شوند. این توافقات الزام‌آور بوده و فرآیند داوری تنها زمانی آغاز می‌شود که طرفین از این توافق تبعیت کنند. در هر دو سیستم، این توافق یا شرط داوری نقطه آغازین است که تعیین‌کننده آن است که آیا داوری در فرآیند حل و فصل اختلافات استفاده خواهد شد یا خیر (شعاریان، ۱۴۰۲). پس از مرحله توافق طرفین، تشکیل هیأت داوری نیز در هر دو نوع داوری شباهت‌های زیادی دارد. در هر دو سیستم، انتخاب داوران توسط طرفین صورت می‌گیرد، گرچه در داوری سرمایه‌گذاری به دلیل اهمیت مسائل سیاسی و بین‌المللی، ممکن است فرآیند انتخاب داوران پیچیده‌تر باشد. در داوری تجاری، طرفین معمولاً داورانی را از میان حرفه‌ای‌ها و کارشناسان تجارت انتخاب می‌کنند که دارای تجربه عملی در زمینه‌های حقوقی و تجاری هستند. در داوری سرمایه‌گذاری نیز، طرفین معمولاً داورانی را انتخاب می‌کنند که تجربه کافی در مسائل سرمایه‌گذاری بین‌المللی و قوانین مربوطه دارند. این داوران ممکن است از یک نهاد داوری بین‌المللی مانند مرکز داوری بین‌المللی ICC یا مرکز داوری سرمایه‌گذاری ICSID باشند (شیروی، ۱۳۹۴). پس از تشکیل هیأت داوری، مرحله بعدی تبادل مدارک و مستندات است که در هر دو سیستم داوری تجاری و سرمایه‌گذاری مشابه است. طرفین باید مدارک، مستندات و دلایل خود را به داوران ارائه دهند تا داوران بتوانند تصمیمات خود را بر اساس این اطلاعات اتخاذ کنند. در داوری تجاری، معمولاً مدارک مربوط به قراردادهای تجاری و تجزیه و تحلیل مالی یا فنی ارائه می‌شود، در حالی که در داوری سرمایه‌گذاری، علاوه بر مدارک تجاری و مالی، ممکن است مستندات مرتبط با سیاست‌ها و قوانین دولتی یا حقوق بین‌الملل نیز مورد نیاز باشد (Born, 2014). برگزاری جلسات استماع در هر دو نوع داوری از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مرحله، طرفین فرصت دارند تا دفاعیات خود را ارائه دهند و به پرسش‌های داوران پاسخ دهند. جلسات

1. Arbitration Clause
2. Arbitration Agreement

استماع در هر دو سیستم ممکن است به صورت حضوری یا آنلاین برگزار شود، و بسته به نوع اختلاف، ممکن است جلسات متعددی برگزار گردد. یکی از شباهت‌های اساسی در این مرحله این است که در هر دو سیستم، داوران باید به طور مستقل و بی‌طرف عمل کنند و هیچ‌گونه تضاد منافع نداشته باشند تا فرآیند داوری شفاف و منصفانه باقی بماند (John Satton et al, 2007). در نهایت، پس از تکمیل جلسات استماع و دریافت مدارک، داوران به صدور رأی می‌پردازند. در هر دو نوع داوری، رأی داوران الزام‌آور است و طرفین باید به آن پایبند باشند. در داوری تجاری، اگر یکی از طرفین از اجرای رأی خودداری کند، طرف دیگر می‌تواند درخواست اجرای رأی از دادگاه‌های ملی کند. در داوری سرمایه‌گذاری نیز، پس از صدور رأی توسط هیأت داوری، امکان درخواست اجرای آن در کشورهای مختلف وجود دارد و برای این منظور، پرونده‌هایی مانند استفاده از کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ برای اجرای آرای داوری در سطح بین‌المللی به کار گرفته می‌شود (Gaillard & Savage, 1999; Schreuer et al, 2009).

علاوه بر شباهت‌های مراحل فرآیند داوری، قواعد حاکم بر هر دو نوع داوری نیز به شدت مشابه هستند. یکی از قواعد مهم در هر دو سیستم استفاده از قواعد آنسیترال است.^۱ این قواعد که توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد تدوین شده‌اند، در داوری‌های بین‌المللی به‌ویژه در داوری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. این قواعد در هر دو نوع داوری به‌عنوان مرجع اصلی برای تنظیم فرآیند داوری، از جمله انتخاب داوران، مراحل دادرسی، و صدور رأی، به کار گرفته می‌شود (موسایی نژاد و قربانیان، ۱۳۹۴). در کنار قواعد آنسیترال، قواعد ICC و ایکسید نیز در هر دو نوع داوری استفاده می‌شوند. قواعد ICC در داوری‌های تجاری بین‌المللی شناخته‌شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند،^۲ در حالی که ایکسید عمدتاً برای داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ این قواعد در هر دو سیستم ضمانت‌های مشابهی را برای حفظ استقلال و بی‌طرفی داوران، شفافیت فرآیند داوری و تأمین دادرسی منصفانه فراهم می‌کنند (راهنمای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی،^۴ ۲۰۰۴).^۵ افزون بر این، برخی از اصول حقوقی مشترک نیز در هر دو نوع داوری وجود دارد که باید به‌طور جدی در فرآیند داوری رعایت شوند. این اصول شامل اصل بی‌طرفی، دادرسی منصفانه،

1. Available at: https://uncitral.un.org/sites/uncitral.un.org/files/media-documents/uncitral/en/21-07996_expedited-arbitration-e-ebook.pdf (last visit: 2025/1/19)

2. Available at: <https://iccwbo.org/dispute-resolution/dispute-resolution-services/arbitration/rules-procedure/2021-arbitration-rules/> (last visit: 2025/1/19)

3. Available at: <https://icsid.worldbank.org/rules-regulations> (Last visit: 2025/01/19)

4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

5. Available at: https://www.oecd.org/content/dam/oecd/en/publications/reports/2004/09/fair-and-equitable-treatment-standard-in-international-investment-law_g17a166b/675702255435.pdf (Last visit: 2025/1/19)

پایبندی به قراردادهای^۱ و منع سوءاستفاده از حق هستند. اصل بی‌طرفی به این معناست که داوران نباید در تصمیم‌گیری‌های خود جانب یکی از طرفین را بگیرند و باید از هرگونه تضاد منافع اجتناب کنند. دادرسی منصفانه به این معناست که هر طرف باید فرصتی برابر برای ارائه دلایل و مستندات خود داشته باشد و هیچ‌گونه تبعیضی در فرآیند داوری صورت نگیرد (Redfern & Hunter, 2004). همچنین، پایبندی به قراردادهای در هر دو نوع داوری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌ویژه در داوری‌های تجاری که طرفین معمولاً متعهد به اجرای قراردادهایی هستند که در آن‌ها شرط داوری گنجانده شده است (Lukashuk, 1989). منع سوءاستفاده از حق نیز به این معناست که هیچ‌یک از طرفین نباید از فرآیند داوری به‌منظور تعویق اجرای قرارداد یا اخذ مزایای نامشروع استفاده کند (Gaillard, 2017). این اصول در هر دو نوع داوری نقش حیاتی دارند و تأکید بر رعایت آن‌ها می‌تواند به تحقق عدالت در فرآیند داوری کمک کند.

۲-۲. بیان تفاوت‌ها

میان داوری تجاری و داوری سرمایه‌گذاری علی‌رغم وجود شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد؛ این تفاوت‌ها نه تنها در موضوعات و قلمرو دعاوی، بلکه در مقررات، نهادهای مربوطه، ترکیب طرفین دعوی، و فرآیند انتخاب داوران قابل مشاهده است. تحلیل این تفاوت‌ها می‌تواند روشن‌گر تفاوت‌های ساختاری و کارکردی این دو سیستم داوری باشد.

ابتداءً، تفاوت‌های اساسی در موضوعات و قلمرو دعوی قابل توجه است؛ در داوری تجاری، اختلافات عمدتاً ناشی از روابط قراردادی و تعاملات اقتصادی بین بخش خصوصی است. این اختلافات معمولاً میان شرکت‌ها یا افراد خصوصی رخ می‌دهند و اغلب به مسائل مرتبط با اجرای قراردادهای تجاری، شروط قرارداد، تخلفات، نقض حقوق مالکیت معنوی، مسائل مالی، یا اختلافات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های تجاری محدود می‌شوند. به عبارت دیگر، داوری تجاری بیش‌تر به اختلافاتی اختصاص دارد که در فضای رقابتی و بدون دخالت دولت‌ها بین بخش‌های خصوصی شکل می‌گیرد (لیو و همکاران، ۱۳۹۱). موضوعات در داوری تجاری معمولاً فنی و اقتصادی هستند و اختلافات عموماً به حل مشکلات اجرایی یا تفسیر قراردادها مربوط می‌شوند. اما در داوری سرمایه‌گذاری، موضوعات و قلمرو دعاوی عمدتاً به مسائل حاکمیتی و تعهدات دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاران خارجی مرتبط است. این نوع داوری بیش‌تر به اختلافات ناشی از اقدامات یا سیاست‌های دولتی که بر حقوق سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر می‌گذارد، می‌پردازد. به‌ویژه، در داوری سرمایه‌گذاری، دولت‌ها ممکن است متهم به نقض معاهدات بین‌المللی یا تعهدات خود در قبال سرمایه‌گذاران خارجی شوند. این تعهدات معمولاً در قالب معاهدات دوجانبه

حمایت از سرمایه‌گذاری (BIT) یا معاهدات چندجانبه نظیر کنوانسیون ICSID تدوین می‌شوند. موضوعات اصلی در این نوع داوری شامل حمایت از حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران، تضمین شرایط سرمایه‌گذاری مناسب، جلوگیری از ملی‌سازی یا مصادره‌های غیرقانونی، و تضمین دسترسی به دادرسی عادلانه است (Parmentier, 2018).

در کنار تفاوت در موضوعات، باید به تفاوت‌های مقررات و نهادهای مربوطه در داوری تجاری و سرمایه‌گذاری اشاره کرد. در داوری تجاری، قواعد داوری معمولاً انعطاف‌پذیرتر هستند و مبتنی بر توافق آزاد طرفین. این انعطاف‌پذیری به طرفین این امکان را می‌دهد که شرایط و مقررات داوری را بر اساس نیازهای خاص خود تنظیم کنند. در واقع، طرفین می‌توانند تصمیم بگیرند که کدام نهاد داوری را انتخاب کنند و قواعد خاصی را برای فرآیند داوری تعیین کنند. این امر باعث می‌شود که داوری تجاری به‌طور گسترده‌ای قابل تطبیق با شرایط مختلف قراردادهای و اختلافات تجاری باشد (جنیدی، ۱۳۷۶). در مقابل، داوری سرمایه‌گذاری معمولاً تحت تأثیر معاهدات دوجانبه یا چندجانبه است و قوانین خاصی مانند قوانین ایکسید نقش مهمی دارند. به‌عنوان مثال، در داوری‌های سرمایه‌گذاری، طرفین ممکن است مجبور به پیروی از مقررات خاصی باشند که در معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری یا مقررات بین‌المللی سرمایه‌گذاری آمده است. این مقررات معمولاً شرایط سخت‌تری برای دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی دارند، زیرا هدف از این مقررات، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تضمین امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاران است. بنابراین، در داوری سرمایه‌گذاری، ممکن است گزینه‌های کم‌تری برای انتخاب نهاد داوری وجود داشته باشد و بیش‌تر داوری‌ها در چهارچوب ایکسید یا سایر نهادهای مشابه انجام می‌شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳).

تفاوت‌های دیگری که در داوری تجاری و سرمایه‌گذاری مشاهده می‌شود، در ترکیب طرفین دعوی و فرآیند انتخاب داوران است. در داوری تجاری، طرفین معمولاً شرکت‌ها یا افراد خصوصی هستند که به‌طور مستقل از دولت‌ها به اختلافات خود رسیدگی می‌کنند. در این نوع داوری، شرکت‌ها یا افراد خصوصی می‌توانند داورانی را از میان حرفه‌ای‌ها و متخصصان حقوقی یا تجاری انتخاب کنند. انتخاب داوران در داوری تجاری بیش‌تر بر اساس تخصص و تجربه در موضوع خاص اختلافات تجاری انجام می‌شود (لیو، ۱۳۹۱). اما در داوری سرمایه‌گذاری، یکی از طرفین دعوی معمولاً دولت است که از جانب خود از سیاست‌ها و قوانین ملی دفاع می‌کند. طرف دیگر معمولاً یک سرمایه‌گذار خارجی است که درگیر مسائل سرمایه‌گذاری و حمایت از حقوق خود در برابر دولت است. انتخاب داوران در این نوع داوری معمولاً پیچیده‌تر است و نیازمند توجه به جنبه‌های سیاسی و حقوق بین‌الملل است. معمولاً در داوری سرمایه‌گذاری، داوران باید تجربه و تخصص ویژه‌ای در مسائل بین‌المللی و حقوق سرمایه‌گذاری داشته باشند. علاوه بر این، در

داوری‌های سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در مواردی که دولت‌ها متهم به نقض حقوق سرمایه‌گذاران هستند، ممکن است فرآیند انتخاب داوران تحت نظارت و ارزیابی دقیق‌تری قرار گیرد تا از هرگونه تضاد منافع یا بی‌طرفی نامناسب جلوگیری شود (باغبان و یکتا، ۱۴۰۰).

۳. عدالت رویه‌ای در داوری؛ ملاحظات اخلاقی و چالش‌های عملی

مفهوم عدالت رویه‌ای در داوری بین‌المللی، به‌ویژه در داوری تجاری و سرمایه‌گذاری، از اهمیتی بنیادین برخوردار است؛ زیرا داوری به‌عنوان جایگزینی برای دادگاه‌های ملی، متعهد به رعایت اصول دادرسی منصفانه، بی‌طرفی، و شفافیت است. ملاحظات اخلاقی در این زمینه شامل تضمین عدالت رویه‌ای برای طرفین، جلوگیری از سوءاستفاده از فرآیند داوری، حفظ استقلال و بی‌طرفی داوران، و رعایت اصولی هم‌چون محرمانگی و انصاف در رسیدگی است. این موارد در سطح بین‌المللی، هم در اسناد و کنوانسیون‌های حاکم بر داوری و هم در رویه‌های داوری در پرونده‌های مهم منعکس شده است. با این حال، چالش‌های متعددی در اجرای این اصول وجود دارد که نیازمند تحلیل دقیق و ارائه راهکارهای اصلاحی است.

۳-۱. اصول دادرسی منصفانه و اخلاقی در داوری

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر داوری بین‌المللی، اصل دادرسی منصفانه^۱ است که در اسناد مختلفی هم‌چون ماده ۱۸ از *قوانین داوری آنسیترال* و ماده ۵۲ از *کنوانسیون واشنگتن (ICSID)* مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ بر اساس این اصل، طرفین باید فرصت برابر برای ارائه ادله و دفاع از حقوق خود داشته باشند، بدون آن‌که یکی از طرفین بر دیگری از لحاظ امکانات یا دسترسی به فرآیندهای داوری برتری داشته باشد. در برخی پرونده‌های داوری، مشاهده شده که سرمایه‌گذاران یا شرکت‌های چندملیتی به دلیل برتری اقتصادی یا نفوذ سیاسی، توانسته‌اند فرآیند داوری را به نفع خود هدایت کنند، امری که نقض عدالت رویه‌ای تلقی می‌شود (John Satton et al, 2007). هم‌چنین، رعایت بی‌طرفی داوران یکی دیگر از ملاحظات اخلاقی حیاتی در داوری است. اصل بی‌طرفی^۳ در اکثر قواعد داوری بین‌المللی مانند *ICC Rules* (ماده ۱۱) و *کنوانسیون ایکسید* (ماده ۱۴) مورد توجه قرار گرفته است.^۴ با این حال، در برخی پرونده‌ها، مسأله تعارض منافع میان داوران و طرفین دعوی باعث ایجاد شبهه در بی‌طرفی داوری شده است. به‌عنوان مثال، در پرونده *Blue Bank v. Venezuela*^۵، یکی از داوران به دلیل داشتن ارتباط با یکی از

1. fair trial

2. UNCITRAL, 2010, Art. 18; ICSID, 2014, Art. 52

3. Impartiality and Independence

4. ICC, 2021, Art. 11; ICSID, 2014, Art. 14

5. Blue Bank International & Trust (Barbados) Ltd. v. Bolivarian Republic of Venezuela, ICSID Case No. ARB 12/20.

طرفین از پرونده کنار گذاشته شد، زیرا نگرانی‌هایی درباره تعارض منافع او وجود داشت (Schill, 2022). این پرونده نشان می‌دهد که رعایت بی‌طرفی نه تنها به یک تعهد اخلاقی بلکه به یک الزام رویه‌ای در داوری تبدیل شده است.

۲-۳. محرمانگی و شفافیت؛ دو اصل متعارض در داوری

یکی از چالش‌های اخلاقی مهم در داوری بین‌المللی، توازن میان اصل محرمانگی^۱ و اصل شفافیت^۲ است. در داوری تجاری، اصل محرمانگی به عنوان یک مزیت مهم در نظر گرفته می‌شود، زیرا طرفین ترجیح می‌دهند که اطلاعات حساس مربوط به قراردادهای تجاری یا استراتژی‌های تجاری آن‌ها در معرض دید عموم قرار نگیرد. این اصل در قواعد داوری ICC و LCIA مورد تأکید قرار گرفته است (اسکینی و خاکپور، ۱۳۹۸).^۳ اما در داوری سرمایه‌گذاری، به دلیل این که یکی از طرفین دعوی معمولاً یک دولت است، اصل شفافیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا تصمیمات داوری می‌توانند تأثیر گسترده‌ای بر حقوق عمومی و منافع شهروندان داشته باشند. به همین دلیل، در کنوانسیون موریس^۴ تأکید شده است که داوری‌های سرمایه‌گذاری باید از سطح بالاتری از شفافیت برخوردار باشند.^۵ با این حال، این مسأله همچنان مورد اختلاف است، زیرا برخی از دولت‌ها معتقدند که افشای اطلاعات داوری می‌تواند بر امنیت اقتصادی یا سیاست‌های سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر منفی بگذارد (Maupin, 2014).

۳-۳. چالش‌های اخلاقی در انتخاب داوران و تأثیر آن بر عدالت رویه‌ای

یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی در داوری بین‌المللی، مسأله انتخاب داوران و نحوه انتصاب آن‌ها است؛ در داوری تجاری، انتخاب داوران معمولاً از میان متخصصان حقوقی یا اقتصادی صورت می‌گیرد که دارای تجربه گسترده در حل و فصل اختلافات هستند. اما در داوری سرمایه‌گذاری، این روند ممکن است پیچیده‌تر باشد، زیرا دولت‌ها و سرمایه‌گذاران ممکن است تلاش کنند داورانی را انتخاب کنند که به دیدگاه‌های آن‌ها نزدیک‌تر باشند. این مسأله در مواردی منجر به پدیده‌ای شده است که در ادبیات داوری تحت عنوان "اثر داریست"^۶ شناخته می‌شود، یعنی برخی از داوران به دلیل سابقه طرفداری از یک طرف خاص، به‌طور مداوم برای پرونده‌های مشابه انتخاب می‌شوند (Subedi, 2020). برای مثال، در پرونده *Yukos v. Russia*^۷

1. Confidentiality

2. Transparency

3. ICC, 2021, Art. 22; LCIA, 2020, Art. 30.

4. Mauritius Convention on Transparency, 2014.

5. UNCITRAL, 2014, Art. 3

6. Repeat Arbitrators Effect

7. Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. The Russian Federation (PCA Case No. AA 227).

ادعا شد که برخی از داوران به دلیل ارتباطات پیشین خود با نهادهای مالی غربی، نسبت به ادعاهای روسیه دیدگاه جانبدارانه‌ای داشته‌اند.^۱ این چالش نشان می‌دهد که در غیاب نظارت مؤثر بر انتخاب داوران، عدالت رویه‌ای می‌تواند به خطر بیفتد. به همین دلیل، در سال‌های اخیر برخی از نهادهای داوری مانند ایکس‌اید تلاش کرده‌اند که شفافیت بیش‌تری در فرآیند انتخاب داوران ایجاد کنند (Waibel, 2010).

۴-۳. توازن میان حقوق اقتصادی و مسئولیت‌های اخلاقی دولت‌ها و سرمایه‌گذاران

یکی از جنبه‌های مهم عدالت رویه‌ای در داوری بین‌المللی، ایجاد توازن میان حقوق اقتصادی سرمایه‌گذاران و مسئولیت‌های اخلاقی و قانونی دولت‌ها است. در بسیاری از پرونده‌های داوری سرمایه‌گذاری، این چالش وجود دارد که آیا حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران باید در اولویت باشد یا این که دولت‌ها باید بتوانند به‌منظور تأمین منافع عمومی، محدودیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایجاد کنند (Muchlinski, 2021). به‌عنوان مثال، در پرونده *Philip Morris v. Uruguay*^۲، شرکت سرمایه‌گذار ادعا کرد که مقررات دولت اروگوئه در زمینه محدودیت‌های تبلیغاتی محصولات دخانی، نقض تعهدات دولت در برابر سرمایه‌گذاران است، درحالی که دولت اروگوئه این مقررات را در راستای حفظ سلامت عمومی تصویب کرده بود. این پرونده نشان می‌دهد که عدالت رویه‌ای تنها به رعایت تشریفات دادرسی محدود نمی‌شود، بلکه به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و تعیین اولویت‌های قانونی در داوری نیز بستگی دارد (Upreti, 2018).

1 PCA Case No. AA 227

2 *Philip Morris Brands Sàrl, Philip Morris Products S.A. and Abal Hermanos S.A. v. Oriental Republic of Uruguay*, ICSID Case No. ARB/10/7

نتیجه‌گیری

داوری بین‌المللی به عنوان ابزاری کارآمد برای حل و فصل اختلافات فرامرزی، نه تنها تابع اصول و رویه‌های حقوقی است، بلکه دربردارنده ملاحظات اخلاقی و هنجاری نیز می‌باشد. بررسی تطبیقی داوری تجاری و داوری سرمایه‌گذاری حاکی از آن است که هرچند این دو نظام در ساختار و اصول بنیادین اشتراکات بسیاری دارند، اما تفاوت‌های ماهوی آن‌ها در ترکیب طرفین، حوزه دعاوی، قواعد حاکم و نهادهای نظارتی، پیامدهای مهمی در اجرای عدالت رویه‌ای به دنبال دارد. در داوری تجاری، اراده طرفین و آزادی قراردادی نقش اساسی ایفا می‌کند و انعطاف‌پذیری بیشتری در تعیین رویه‌ها و داوران وجود دارد، در حالی که در داوری سرمایه‌گذاری، به دلیل حضور دولت‌ها و ماهیت عمومی‌تر دعاوی، تعهدات حاکمیتی و اقتضائات حقوق بین‌الملل بر فرآیند داوری سایه افکننده و محدودیت‌های بیشتری را به همراه دارد. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو نوع داوری با چالش‌هایی مواجه هستند که به طور مستقیم بر مشروعیت و اعتماد عمومی به این نهاد تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تأمین عدالت رویه‌ای و رعایت ملاحظات اخلاقی در تمامی مراحل داوری است. در مواردی مشاهده شده است که انتخاب داوران تحت تأثیر فشارهای سیاسی یا اقتصادی قرار گرفته و توازن میان طرفین را بر هم زده است. از سوی دیگر، چالش‌هایی همچون عدم شفافیت در برخی پرونده‌های داوری سرمایه‌گذاری و نگرانی‌ها پیرامون تأثیرات تصمیمات داوری بر سیاست‌های عمومی، نشان می‌دهد که تنها اتکاء به اصول حقوقی بدون در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده عدالت باشد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که برای ارتقاء کارآمدی و مشروعیت داوری بین‌المللی، لازم است اصلاحاتی در جهت افزایش نظارت بر فرآیندهای داوری، ایجاد شفافیت بیشتر، و تضمین رعایت بی‌طرفی و انصاف در انتخاب داوران انجام شود. علاوه بر این، باید میان حقوق اقتصادی و الزامات اجتماعی و حاکمیتی توازن برقرار شود تا داوری نه تنها به عنوان ابزاری برای حل اختلافات خصوصی، بلکه به عنوان نهادی که در تحقق عدالت بین‌المللی نقش ایفا می‌کند، شناخته شود. در نهایت، موفقیت داوری بین‌المللی در گرو ایجاد یک نظام حقوقی و اخلاقی هماهنگ است که بتواند اعتماد بازیگران بین‌المللی را جلب کرده و به عنوان یک سازوکار پایدار و قابل اتکا در حل و فصل اختلافات مورد پذیرش عمومی قرار گیرد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله و سلطان‌زاده، سجاد. (۱۳۹۳). مفهوم سرمایه‌گذاری در رویه داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی (ایکسید)، مجله حقوق بین‌المللی، ش ۵۰: ۷۷-۱۰۸.
۲. اسکینی، ربیعا و خاکپور، احد. (۱۳۹۸). تعارض بین اصل شفافیت و محرمانگی در داوری‌های بین‌المللی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، ش ۸۶: ۴۵-۶۴.
۳. باغبان، رحیم و یکتا، حدیثه. (۱۴۰۰). معیارهای تشخیص قرارداد سرمایه‌گذاری در داوری سرمایه‌گذاری خارجی، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال ۲۸، ش ۱۹: ۳۱۷-۳۹۲.
۴. بطحائی، سیدفرهاد و شمس، عبدالله. (۱۳۹۶). معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۷: ۶۵-۳۹.
۵. جنیدی، لعیا. (۱۳۷۶). قانون حاکم در داوری تجاری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر.
۶. خدری، صالح. (۱۳۹۴). دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ش ۲: ۵۴۰-۵۱۹.
۷. درویشی‌هویدا، یوسف. (۱۳۸۸). شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)، تهران: نشر میزان، چ نخست.
۸. رضایی‌شورکی، طیبه. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی، فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، دوره دوم، ش ۵: ۳۳-۹.
۹. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۴). داوری تجاری بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت، چ ۵.
۱۰. صفوی‌همامی، زهره و موسوی‌زنوز، موسی و میرعباسی، سیدباقر. (۱۴۰۰). سیر تحولات داوری بین‌الملل در گذر تاریخ؛ از داوری دولت‌شهرها تا داوری تجاری بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۴۹: ۱۰۸-۷۹.
۱۱. علوم‌یزدی، حمیدرضا و آزادی، یاسمن. (۱۳۹۴). داوری‌نامه و جایگاه آن در داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، ش ۱۱: ۱۴۸-۱۲۱.
۱۲. لیو، جولیان دی ام و میستلیس، لوکاس ای و کرول، استفان ام. (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چ نخست.

۱۳. مجتهدی، محمدرضا. (۱۳۹۰). درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکساید، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، ش ۳: ۱۹۹-۱۷۵.
۱۴. محمودی‌کردی، زهرا. (۱۳۹۷). ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین‌الملل، مجله حقوق بین‌المللی، ش ۵۸: ۳۶۴-۳۲۹.

(ب) انگلیسی

15. Born, Gary, (2014) International commercial arbitration, 4rd edition, Kluwer Law International. New York
16. Gaillard, Emmanuel. (2017). Abuse of Process in International Arbitration, ICSID Review, Vol. 32, No. 1: 17-37.
17. Gaillard, Emmanuel & Savage, John (eds). (1999), Fouchard, Gaillard, Goldman On International Commercial Arbitration, Hague, Kluwer Law International, 1st ed.
18. Guzman, Andrew. (2008). How International Law Works: A Rational Choice Theory, Oxford University Press
19. Kaufmann-Kohler, Gabrielle & Schultz, Thomas. (2004). Online Dispute Resolution: Challenges for Contemporary Justice, Kluwer Law International.
20. Kriebaum, Ursula & Schreuer, Christoph & Dolzer, Rudolf. (2022). Principles of International Investment Law, Oxford University Press, 3rd Edition.
21. Lim, C. L. & Ho, Jean & Pappas, Martins. (2021). International Investment Law and Arbitration, Cambridge University Press, 2nd edition
22. Maupin, Julie A. (2014). Public and Private in International Investment Law: An Integrated Systems Approach, VIRGINIA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, Vol. 54:2.
23. McLachlan, Campbell & Shore, Laurence & Weiniger, Matthew. (2017). International Investment Arbitration: Substantive Principles, Oxford University Press, 2nd Edition
24. Muchlinski, Peter. (2021). Multinational Enterprises and the Law, Oxford International Law Library, Third Edition
25. Newcombe, Andrew & Paradell, Lluís. (2009). Law and Practice of Investment Treaties. Standards of Treatment, Kluwer Law International.
26. Parmentier, Pieter. (2018). International Commercial Arbitration v International Investment Arbitration: Similar Game but Somehow Different Rules, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3200648>
27. Redfern, A. and Hunter, M. (2004). Law and Practice of International Commercial Arbitration. Published by Sweet and Maxwell
28. Rogers, Catherine. (2013). Ethics in International Arbitration, Oxford University Press.

29. Schill, Stephan W & Malintoppi, Loretta & Schreuer, Christoph H & Reinisch, August & Sinclair, Anthony. (2022). Schreuer's Commentary on the ICSID Convention: A Commentary on the Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States, Cambridge University Press. Third Edition.
30. Schreuer, Christoph H. (2009), The ICSID Convention: A Commentary, New York, Cambridge University Press, 2d ed.
31. Sornarajah, M. (2021). The International Law on Foreign Investment. Cambridge University Press. 5th edition
32. Subedi, Surya P. (2020). International Investment Law: Reconciling Policy and Principle, Bloomsbury Academic.
33. Upreti, Pratyush Nath. (2018). Philip Morris v Uruguay: A Breathing Space for Domestic IP Regulation, European Intellectual Property Review 40(4).
34. Van Harten, Gus. (2009). Investment Treaty Arbitration and Public Law, Oxford University Press
35. Waibel, Michael. (2010). The Backlash Against Investment Arbitration: Perceptions and Reality, Wolters Kluwer Law & Business.